

ایدئولوژی دکتر علی شریعتی و انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۲۹

کد مقاله: ۷۰۷۳۶

سیده عظیمه هاشمی شیخ شبانی^۱

چکیده

هدف از تحقیق حاضر پاسخ به این سؤال است که دکتر علی شریعتی از چه ایدئولوژی برای بیداری مردم در بحبویه انقلاب استفاده کرد؟ برای پاسخ به این سؤال سعی شده از روش تاریخی و تحلیل اسنادی استفاده شود. یکی از مهم‌ترین وقایع سیاسی و اجتماعی ایران پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی است. این انقلاب بدون شک حادثه بزرگی بود که با شعار «جدایی ناپذیر دین از سیاست» بر پایه ایدئولوژی اسلامی به وقوع پیوست و این پیروزی تاریخ معاصر ایران و بلکه منطقه را تحت تأثیر خود قرار داده و الهام بخش خیزش‌ها و جنبش‌های بعد از خود شد. در واقع ایدئولوژی‌ها نقش مؤثری در انقلاب و فراگیر شدن و حفظ انقلاب دارند. ایدئولوژی انقلاب اسلامی برگرفته از ارزش‌های اسلامی است که کفر ستیزی، روحیه ایثار، شهادت طلبی، عدالت خواهی، حق پرستی و معنویت‌گرایی را سرلوحه خود قرار داده بود. یافته‌های این تحقیق حاکی از این است که ایدئولوگ‌ها یا به تعبیر دیگر اندیشه‌ورزان دینی از جمله دکتر شریعتی به عنوان یکی از کنشگران عرصه فرهنگ نقش مهمی در ایجاد انقلاب اسلامی ایفا نمودند. دکتر شریعتی با تفسیر انقلابی از مذهب تشیع و خلق فرهنگ مقاومت زمینه‌دهی انقلاب اسلامی را فراهم ساخت. تلاش شریعتی رهایی جوامع اسلامی از تباهی، رخوت و نفوذ فرهنگی غرب در بازیابی هویت اسلام بود.

واژگان کلیدی: ایدئولوژی، شریعتی، انقلاب اسلامی

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

۱- مقدمه

در حقیقت می‌توان گفت که ایرانیان و دانشمندان ایرانی پیش از هر ملت دیگری به نشر اسلام و پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی و ارتقای علوم در بستر آن کمک نموده‌اند. در واقع روح و عقل و خرد ایرانی یکی از اصیل‌ترین خمیرمایه‌های تمدن و فرهنگ اسلامی و از عناصر اصلی پیشرفت‌های چشمگیر آن شده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲: ۲۳).

انقلاب اسلامی ایران فصل جدیدی از هویت فرهنگی و تاریخی این سرزمین را رقم زد و این انقلاب بزرگ بر ارزش‌ها و آرمان‌های قدسی دین اسلام استوار است که با تکیه بر دین اسلام مسیر رو به رشد خود را می‌پیماید. دکتر شریعتی نیز بر محور اسلام انقلابی به بازسازی جدیدی از مفاهیم اسلامی می‌پردازد و از حکومتی دفاع می‌کند که بتواند اهداف اسلام انقلابی را جامه عمل بپوشاند. قرن نوزدهم میلادی که مهد پیدایش انواع مکاتب فلسفی و فکری جدید آمیخته با نظریات اجتماعی-سیاسی انقلاب در غرب بود اصطلاحاً عصر ایدئولوژی نام گرفته است. در این دوره است که شاهد ظهور و رشد انقلابی‌ترین ایدئولوژی‌های مختلف در طول تاریخ هستیم.

ایدئولوژی بسیج چند کارکرد دارد. نخستین وظیفه آن نکوهش وضع موجود و یافتن ریشه‌های نابسامانی است. ایدئولوژی بسیج معمولاً تصویری ساده و عامه‌فهم از دشواری‌های موجود عرضه می‌کند و بر وجه مشترک اعتراضات گروه‌های مختلف اجتماعی انگشت می‌گذارد و برای رفع آن‌ها و ایجاد نهادهای جدید راه حل‌های علمی پی می‌گذارد. دومین وظیفه ایدئولوژی بسیج، ترسیم وضع مطلوب و تعیین اهداف غایی جنبش و وسایل دست‌یابی به آنهاست. در یک وضع انقلابی ممکن است چند نوع ایدئولوژی رقیب وجود داشته باشند و هریک تصویر متفاوتی از آینده عرضه کند. سومین وظیفه ایدئولوژی بسیج عرضه تبیین تازه‌ای از تاریخ به سود جنبش و ستایش از گذشته آن است (بشیریه، ۱۳۸۷: ۸۲).

بنابراین تنها ایدئولوژی اسلامی و انقلابی کافی نیست بلکه باید ایدئولوگ‌هایی وجود داشته باشند تا به بازخوانی آرمان‌های انقلابی و سنت‌های فرهنگی بپردازند و این همان نقشی است که ایدئولوگ‌های انقلابی از جمله دکتر علی شریعتی ایفا نمود. اهمیت این موضوع در این است که ایدئولوژی‌ها نقش مؤثری در انقلاب و فراگیر شدن و حفظ انقلاب دارد از این جهت موضوع ایدئولوژی و شناخت کارکردهای آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امروزه سرنوشت اسلام بزرگ با انقلاب اسلامی پیوند خورده است و هر گونه سهل‌انگاری در تداوم انقلاب می‌تواند ضربه‌ای بر پیکر اسلام وارد کند. ضرورت بررسی افکار دکتر علی شریعتی نیز در این است که مفهوم فکری او و چگونگی تأثیر گذاری وی بر نسل جوان جامعه را هر چه بیشتر بر ما آشکار می‌سازد. بدین ترتیب هر گونه پژوهش پیرامون تحولات سیاسی و اجتماعی ایران معاصر به ویژه پیروزی انقلاب اسلامی را برای ما آشکار می‌سازد. بنابراین ضرورت بررسی ابعاد مختلف اندیشه سیاسی شریعتی در راستای هرگونه پژوهش پیرامون تحولات سیاسی و اجتماعی ایران معاصر به ویژه دهه منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی آشکار می‌شود.

روش مورد استفاده در این پژوهش روش کیفی و تحلیل اسنادی است که می‌کوشیم علاوه بر پاسخ به سؤال اصلی که تأثیر ایدئولوژی دکتر شریعتی در انقلاب اسلامی است، افکار و اندیشه وی و ماهیت ایدئولوژی انقلاب اسلامی را نیز مشخص نماییم.

۲- چهارچوب مفهومی

وجود تعاریف متعدد از انقلاب طبقه بندی آن‌ها را ضروری می‌سازد. مشیرزاده تعاریف انقلاب را به سه دسته تقسیم کرده است: تعاریف انقلاب بر اساس نیت، بر اساس پیامدها و الگوی سیاسی (مشیرزاده، ۱۳۷۵: ۱۰۸).

ساموئل هانتینگتون در تعریف انقلاب می‌گوید: یک انقلاب بر تحول داخلی سریع بنیادین و خشونت بار در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط یک جامعه، در نهادهای سیاسی آن، ساختار اجتماعی، رهبری و فعالیت حکومت‌هاست. بدین ترتیب، انقلاب‌ها از خیزش‌ها، شورش‌ها، قیام‌ها، کودتاها و جنگ‌های استقلال طلبانه شناخته می‌شوند (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۳۵). معنای لفظی انقلاب به معنای تحول، زیر و رو شدن، و تغییر است (معین، ۱۳۶۰: ج ۱).

واژه ایدئولوژی را نخستین بار بین سال‌های ۱۷۹۶ و ۱۷۹۸ آنتوان دو تراسی هنگام ارائه گزارش علمی تحت عنوان رساله‌ای درباره قوه تفکر مطرح نمود (وینسنت، ۱۳۹۲: ۴).

ایدئولوژی را به آرمان‌ها، اندیشه، رأی، مسلک، اعتقاد، پندارها، اندیشه‌وارگی، دانش ایده‌ها، ماهیت و سرچشمه آن، دکترین، عقاید، مجموعه‌ای از ایده‌های سیستم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی معنا نموده‌اند (بريجانين، ۱۳۷۱: ۳۹۳).

یکی از بیشترین متغیرهایی که در تعاریف انقلاب از آن استفاده می‌شود، متغیر فرهنگی «ارزش‌های اجتماعی» و اشکال مختلف آن مانند اسطوره و ایدئولوژی است. هر چند که این متغیر به شکل‌های مختلف در تعاریف می‌آید ولی همه آن‌ها به طور آشکار یا ضمنی دگرگونی اساسی و سریع ارزش‌های اجتماعی را به عنوان یک عنصر مهم در تعریف انقلاب مد نظر دارند (پناهی، ۱۳۹۱: ۶۲).

ایدئولوژی از نظر موريس دوورژه عبارت است از یک نظام فکری که اعتراض های فردی را هماهنگ می کند و در قالب تعارض جمعی در می آورد، و بدین ترتیب آگاهی سیاسی را گسترش می دهد و وسیله عمل جمعی می شود (بشلر، ۱۳۷۰: ۷). از آغاز قرن بیستم به بعد اصطلاح ایدئولوژی به طور وسیع بر انواع و اقسام سیستم های فکری و فلسفی و منجمله مذهب که به نوعی در تعیین خط مشی عمل یا موضع گیری معتقدان به آن ها در مسائل سیاسی و اجتماعی مؤثر باشند به کار می رود و با این تعبیر هر گونه طرز تفکری که نوعی بینش از جهان به فرد ارائه دهد در عین حال او را وادار به نوعی موضع گیری در برابر مسائل جاری جامعه و محیط کند، در تعریف ایدئولوژی جای می گیرد (علی بابایی، ۱۳۶۹: ۹۲).

۳- ادبیات تحقیق

در زمینه روند تحقق انقلاب اسلامی به عنوان اصلی ترین رویداد سیاسی کشور ایران، کتاب ها، تحقیقات و تألیفات متعددی در دست است که روند انقلاب و چگونگی شکل گیری آن را از جریانات و زمینه های قبل از رویداد، نهضت ها و شورش ها، بی عدالتی، ظلم و زمینه های ظهور انقلاب تا تحقق و پیروزی آن را در سال ۱۳۵۷ به رشته تحریر در آورده اند. بخشی از این منابع شامل روند انقلاب در مناطق و بخش های خاصی از کشور می باشد که وجه غالب در آن ها تأثیر مذهب، رهبری و ایدئولوژی در تحقیقات انقلاب بوده است. درباره ایدئولوژی در انقلاب اسلامی ایران نیز کتاب ها و نوشته های فراوانی به رشته تحریر در آمده است. ایفای نقش اسلام شیعی در انقلاب اسلامی توجه محققین را به تأثیر ایدئولوژی در انقلاب جلب نمود. اما در مورد دکتر شریعتی و نقش آن در انقلاب اسلامی تحقیقات زیادی در دست نیست.

۴- چهارچوب نظری

با مراجعه به نظریه های قبل از انقلاب، می توان دریافت که این نظریات بیشتر مبتنی بر وقوع انقلاب اسلامی ایران است و نظریات مبتنی بر فرهنگ و ایدئولوژی به ویژه فرهنگ دینی برای تبیین انقلاب ها جایگاهی نداشتند. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و جایگاه ایدئولوژی اسلامی در این پیروزی ایدئولوژی هر انقلابی، در چگونگی پیروزی انقلاب، نوع حکومت جایگزین و حتی مراحل و تحولات پس از پیروزی نقشی مؤثر دارد. برای مثال، انقلاب هایی که در آن یک ایدئولوژی واحد و سازگار با ویژگی های فرهنگی آن جامعه گسترش یابد، زودتر فراگیر می شود و از این رو بسیج قوی تری از توده ها را در پی دارد. از سوی دیگر، این انقلاب ها، سریعتر از دیگر انقلاب ها به پیروزی می رسند و پس از پیروزی نیز بی ثباتی های کمتری خواهند داشت. که نمونه بارز آن انقلاب اسلامی ایران است که به رغم روبه رو بودن با رژیم مقتدر و مورد حمایت غرب، توانست به پیروزی برسد. (ملکوئیان و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۴).

حضرت امام خمینی (ره) نظریه خود را در مورد انقلاب اسلامی ایران در جمله ای زیبا با توجه به کارکرد ایدئولوژی انقلاب اسلامی تبیین می کند: « یکی از خصلت های ذاتی تشیع از آغاز تا کنون مقاومت و قیام در برابر دیکتاتوری و ظلم است که در قیام تاریخ شیعه به چشم می خورد هر چند اوج این مبارزات در بعضی مقطع های زمانی بوده است (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۱۸۸). در جامعه ای که مقاومت طغیان و انقلاب بخشی از فرهنگ آن را تشکیل می دهد فعالیت های انقلابی امکان بروز بیشتری دارد. از همین رو جان فوران مفهوم « فرهنگ های سیاسی مخالفت و مقاومت » را برای تبیین تأثیر فرهنگ بر انقلاب ها به کار می گیرد و تأکید می کند که نیروهای اجتماعی که انقلاب ها را می سازند این « فرهنگ های مقاومت » را که در خاطره های تاریخی وجود دارد تفسیر و باسازی می کنند. در چنین فرهنگ هایی کنشگران خاطره های تاریخی، ستیز های گذشته، احساسات خام درباره بی عدالتی، روش ها و فعالیت های دیرینه مذهبی و آرمان گرایی های سیاسی را باز آفرینی کرده و از درون آنها گفتمان و ایدئولوژی انقلابی را طراحی می کنند (فوران، ۱۳۹۲: ۲۷۳).

هافر معتقد است که جنبش ها به پیشگامی افراد سخنور آغاز می شود، به یاری مردم متعصب تحقق می یابد، و به دست مردان عمل مستحکم می شود (هافر، ۱۳۷۲: ۲۵۱). اسکاچپول در تحلیل انقلاب به نقش عوامل ساختاری توجه می کند و به اراده یا عاملیت توجه چندانی ندارد. از نظر وی انقلاب ها ساخته نمی شوند بلکه به وجود می آیند. او معتقد است انقلاب در جوامع کشاورزی رخ می دهد که تحت فشار بین الملل برای توسعه اند و در این توسعه دولت برای تأمین هزینه ها بر مردم فشار می آورد. این فشارها در نهایت موجب نارضایتی و شورش مردم می گردد. که در صورت ناتوانی حکومت در سرکوب آن موجب انقلاب می گردد. پس از انقلاب اسلامی ایران اسکاچپول نتوانست نظریه عام خود را درباره انقلاب ها، با انقلاب اسلامی تطبیق دهد؛ چرا که وضعیت جامعه ایران با نظریه اش مطابقت نداشت. از این رو در مقاله ای با عنوان « دولت تحصیلدار و اسلام شیعی » تلاش نمود رویداد انقلاب اسلامی ایران را توجیه کند. وی در این مقاله بیان می دارد تنها انقلاب آگاهانه انقلاب اسلامی ایران بود. نکته حائز اهمیت برای اسکاچپول، توان ایدئولوژی اسلام شیعی در متحد کردن همه ایرانیان است (عیوضی، هراتی، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

اسکاچپول نقش مذهب، ایدئولوژی، مکتب، معنویت و رهبری را در انقلاب نادیده می‌گیرد. این در حالی است که در انقلاب اسلامی ایران با تکیه به سه عامل، ایدئولوژی نشان داد که بر خلاف نظری اسکاچپول این انقلاب جبری و به دور از اراده مردم نیست. اما پیروزی انقلاب اسلامی اسکاچپول را تحت تأثیر قرار داد؛ لذا اسکاچپول مجبور به اصلاح و سازگار کردن نظریه خود با اسلام و ایدئولوژی آن شد. نکته حائز اهمیت برای اسکاچپول، توان ایدئولوژی اسلام شیعی در متحد کردن همه ایرانیان بر ضد نظام شاهنشاهی است.

انقلاب‌ها بدون داشتن ایدئولوژی به سرانجام نمی‌رسند. «بریتون» معتقد است هیچ انقلابی بدون گسترش اندیشه و ایدئولوژی جدید شکل نمی‌گیرد (بریتون، ۱۳۷۶: ۴۵).

۵- زیست‌نامه دکتر شریعتی

دکتر علی شریعتی در سال ۱۳۱۲ در مزینان از توابع سبزوار در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. پدر وی استاد محمد تقی شریعتی مردی پاک و پارسا و عالم به علوم عقلی و نقلی و استاد دانشگاه مشهد بود. شریعتی پس از گذراندن دوران دبستان وارد دانشسرای مقدماتی در مشهد شد و پس از پایان تحصیلات به آموزگاری پرداخت وی در سال ۱۳۳۴ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد رفت و رشته ادبیات فارسی را برگزید. و در همان سال با یکی از هم‌کلاسان خود ازدواج می‌کند و در سال ۱۳۳۷ برای ادامه تحصیل به کشور فرانسه رفت. دوران تحصیل وی همزمان با جریان نهضت ملی ایران به رهبری مصدق بود که او نیز با نوشته محکم خود از این حرکت دفاع می‌نمود. شریعتی پس از سال‌ها به ایران بازگشت. در سال ۱۹۶۱ در طول مبارزات مردم الجزایر برای آزادی دستگیر شد و در سال ۱۳۴۳ به ایران بازگشت. در سال ۱۳۴۸ به مسئولیت امور فرهنگی حسینیه ارشاد را به عهده گرفت و به تدریس جامعه‌شناسی مذهبی، تاریخ شیعه و معارف اسلامی پرداخت. وی با قدرت کلام و تجزیه و تحلیل تاریخ چهره‌های مقدس و شخصیت‌های بزرگ اسلام را معرفی نمود. سرانجام در سال ۱۳۵۳ توسط ساواک دستگیر و به شکنجه وی پرداختند. وی در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۶ به اروپا رفت. سرانجام در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ با اندیشه‌ای پاک و ایمانی محکم به سوی ابدیت عروج کرد.

۶- ویژگی و ماهیت ایدئولوژی انقلابی

بحث ایدئولوژی انقلابی و نقش آن در انقلاب پیچیده و به قول بشلر پر مخاطره است؛ «زیرا هر انسانی وجهی از ماهیت ایدئولوژی را می‌بیند و استنباط می‌کند به نحوی که نویسنده احساس می‌کند ممکن است هر لحظه با اعتقادات و عادات فکری خواننده درگیری پیدا کند» (بشلر، ۱۳۷۰: ۱۵).

یکی از ویژگی‌های مهم ایدئولوژی‌ها نظام وار و سیستمی بودن آن است. ایدئولوژی مجموعه منسجمی از ارزش‌ها و اندیشه‌هاست که غالباً حول یک محور ارزشی سازمان می‌یابد. ویژگی دیگر ایدئولوژی ارتباط آن با موقعیت اجتماعی، خواسته‌ها و منافع گروه، قشر یا طبقه یا ملتی خاص است که تدوین و تشریح‌کننده اصلی آن است. به عبارت دیگر ایدئولوژی همواره جانبدارانه است و پیوند وثیقی با خواسته‌ها و منافع یک گروه مشخص در جامعه دارد و خواسته‌های همه گروه‌های جامعه را به یکسان تأمین نمی‌کند. از دیگر ویژگی‌های ایدئولوژی ماهیت سیاسی آن است. از آن جا که ایدئولوژی انقلابی در جهت دگرگونی اساسی نظام سیاسی و اجتماعی موجود است، خواه ناخواه با سیاست و نظام سیاسی موجود درگیر است، و درباره مبانی مشروعیت، عملکرد و نهاد‌های آن قضاوت‌های روشنی را ارائه می‌دهد. حتی ایدئولوژی محافظه‌کارانه نیز ماهیت سیاسی دارد، زیرا آن هم در جهت تأیید و حمایت از نظام سیاسی موجود عمل می‌کند. آخرین ویژگی ایدئولوژی عامه فهم بودن ایدئولوژی است. ایدئولوژی انقلابی با زبانی ساده و غالباً در قالب شعارهای ملموس و قابل فهم، به تبیین و تشریح اوضاع جامعه و اقدامات انقلابی می‌پردازد، تا برای توده‌های مردم قابل درک و پیروی باشد. ساده‌سازی واقعیت پیچیده درباره وضع موجود و راه رسیدن به اهداف، برای جلب مشارکت توده‌ای یک نیاز مبرم جنبش انقلابی است. برای همین منظور است که ایدئولوژی‌های موفق پیوند محکمی با اسطوره‌ها، تاریخ و فرهنگ زنده و جاری جامعه برقرار می‌کنند تا برای مردم عادی قابل لمس و درک باشند (پناهی، ۱۳۹۱: ۳۸۹).

برای تبدیل شدن یک ایدئولوژی به ایدئولوژی انقلابی سه کار ویژه اساسی لازم است.

۱- هر چه بیشتر بتواند رژیم را عامل نارضایتی مردم دانسته و شکوه و اعتراضات را متوجه آن سازد

۲- بتواند اهداف غایی و وضعیت مطلوب و وسایل دست‌یابی به آنها را به خوبی ترسیم کند.

۳- تبیین تازه‌ای از تاریخ به سود جنبش و ستایش از گذشته آن ارائه نماید (بشیریه، ۱۳۷۴: ۸۲).

در ایدئولوژی انقلاب اسلامی علاوه بر تأکید بر جنبه‌های ویژه یعنی تشکیل جمهوری اسلامی و ولایت فقیه، برداشت‌های ایدئولوژیک انقلاب‌های دیگر مانند آزادی، برادری، استقلال و توسعه نیز وجود دارد. ایدئولوژی انقلاب اسلامی بیانگر ارائه طرح و راه جدیدی به ملت‌های تحت ستم جهان برای کسب استقلال و رهایی از سلطه قدرت‌های جهانی و ساختن جامعه‌ای آزاد و

توسعه یافته است. در این میان کسب استقلال که از عناصر مهم و تشکیل دهنده ایدئولوژی انقلابی است یک پیش شرط لازم برای جامعه آرمانی مورد توجه انقلاب اسلامی است و واضح است که قدرت های جهانی که جای پا و منافع اقتصادی و راهبردی خود را با این انقلاب از دست داده اند با تمام قدرت به آن به مبارزه برخیزند؛ چرا که این ایدئولوژی ضد غرب است. این ایدئولوژی در دوران انقلاب از نظر هر انسان بسیار فراگیر و در برگیرنده اکثر مردم بوده است. از آن جا که گسترش ایدئولوژی انقلابی یکی از شرایط بنیادی وقوع انقلاب است حضرت امام خمینی(ره) از یک طرف با حرام اعلام کردم تقیه در دوره پیش از انقلاب و از طرف دیگر با تذکر جنبه های انقلابی مفاهیم مذهبی از قبیل عاشورا به مبارزه علیه شاه پرداختند که از آن باید به عنوان تلاش دامنه دار در راستای طرح واقعی مفاهیم اسلامی مانند عاشورا و از طرف دیگر درس های حکومت اسلامی مانند ولایت فقیه، حکومت آرمانی جایگزین را معرفی نمودند و در این میان مبارزه با شبهات فلسفی و سیاسی علیه نقش مذهب در سیاست و شبهات تعارض علم و دین از راه های گسترش این ایدئولوژی بوده است (ملکوتیان، ۱۳۸۹: ۲۹۰).

در اندیشه اسلامی ایدئولوژی، جلوه‌ای از دانش اداره زندگی است. ایدئولوژی یک تئوری، یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی اوست و در آن خطوط اصلی و روش‌ها، باید و نبایدها، خوب‌ها، بدها، هدف‌ها، وسیله‌ها، نیازها، دردها، درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص شده باشد و منبع تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد باشد (مطهری، ۱۳۷۷: ۵۴۰).

در حالی که در انقلاب اسلامی تمام روحانیت شیعه بر علیه دولت قیام کرد و انقلاب را رهبری نمود. موفقیت ایدئولوژی انقلاب اسلامی، ارزش و علامت ممیزه، انقلاب ایران بود. این ایدئولوژی پاسخی قدرتمند به خواسته‌های سیاسی شده معاصر و در عین حال مایوس شده از مکاتب مادی بود. این ایدئولوژی امتیاز قابل توجهی بر کمونیسم که با مذهب در تعارض بود داشت (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۴۱).

۷- ایدئولوژی و تفسیر شریعتی

وی اصطلاح ایدئولوژی را در زبان فارسی چندان رسا نمی‌داند و معتقد است ایدئولوژی از دو کلمه «ایده» به معنای فکر و خیال، آرمان و عقیده و «لوژی» به معنای منطبق و شناخت است. بنابراین ایدئولوژی به معنای عقیده شناسی است. «ایدئولوگ» یعنی کسی که صاحب عقیده خاص است (شریعتی، ۱۳۶۱: ۷۴).

رژیم پهلوی برنامه های آینده خود را بر پایه تفکر غربی بنا نهاده بود و در پرتو این سیاست، معیارها و ارزش های غربی در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایران حکمفرما شد و کشور به سوی فراموشی تاریخ گذشته و نفی ارزش های اسلامی پیش رفت. الگوی استعمار و استبداد به «استحاله فرهنگی» ایران پایه ریزی شده بود و برای تحقق این هدف شوم، عرصه های گوناگون اجتماع مانند هنر، ادبیات، سینما، تئاتر، رادیو و تلویزیون، مطبوعات، کتاب و سیستم آموزش و پرورش تحت سیطره ارزش های غربی در آمد. بدین سان افکار عمومی، به ویژه جوانان و نوجوانان در معرض تحریف، ترویج ابتذال و اباحی گری قرار گرفت تا از این طریق هویت اسلامی و ملی به فراموشی سپرده شود و فرهنگ غرب به تمامی پذیرفته گردد. انقلاب اسلامی با تعمیم خودباوری فرهنگی و گسترش شعائر دینی، زمینه را برای تقویت پایه های ایمانی مردم و پرورش نسل های خودباور فراهم نمود و از سویی با عمومی کردن آموزش در سطح جامعه و افزایش سطح علمی دانش آموختگان به رشد استعدادها و شکوفایی قدرت ابتکار مردم به ویژه قشر جوان کمک کرد. افزون بر این انقلاب اسلامی با دگرگون ساختن نگرش زن مسلمان نسبت به خود و محیط پیرامون خویش، او را به ارزیابی جایگاه و نقش واقعی زنان ایرانی در خانواده و جامعه فرا خواند (عیوضی، هراتی، ۱۳۹۰: ۱۵۸).

شریعتی برای حل معضل عقب ماندگی مسلمانان ندای بازگشت به خویشتن را مطرح کرد اما نه خویشتنی که غرب معرفی می کرد بلکه مقصود شریعتی از بازگشت به خویشتن، احیای اسلام ناب و تشیع علوی بود. هدف شریعتی کشف این مسأله بود که چگونه می توان دین را که امروزه این گونه دچار انحطاط و جمود شده و برپایی و حرکت آفرینی خود را از دست داده است و در مقابل مکاتب رقیب عقب نشینی کرده دوباره مطرح کرد و به صحنه بر گرداند (شریعتی، ۱۳۵۷: ۵۵).

بر اساس تفسیر ایدئولوژیکی شریعتی از اسلام به عنوان ایدئولوژی ماورای علم، جهان بینی وی جهان بینی توحیدی است. مقصود از جهان بینی توحیدی تلقی همه جهان است به صورت یک وحدت نه تقسیم آن به دنیا و آخرت، طبیعت و ماورایی طبیعت، ماده و معنا، روح و جسم، یعنی تاکی همه وجود به صورت یک کل و یک اندام زنده شاعر و دارای یک خرد و احساس و هدف. به نظر وی زیر بنای توحیدی نمی تواند تضاد و تفرقه را در جهان بپذیرد (شریعتی، ۱۳۷۵: ۳۵).

۸- تلاش‌های دکتر شریعتی و ایدئولوژیک کردن دین

حاکمیت طولانی مدت نظام شاهنشاهی بر ایران، معیارهایی را بر این کشور حاکم ساخته بود که سعادت، عزت و سربلندی ملت در آن جایی نداشت در فرهنگ مردم نظام شاهنشاهی با زور، تزویر، فساد، حق‌کشی و در یک کلام با ضد ارزش‌ها مترادف بود. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی حاکمان و سیاست‌مداران، همگام با نظام‌های غربی نظریه‌های جدایی دین از سیاست را تبلیغ می‌کردند تا مردم را از دخالت در سرنوشت خود باز دارند این گونه بود که حکام مستبد و حامیان خارجی آن‌ها با آسودگی خاطر به چپاول منابع و ثروت‌های مردم این مرز و بوم پرداختند. انقلاب اسلامی ایران با کشیدن خط بطلانی بر این نگره، بر اساس تعالیم اسلامی دخالت مردم در سرنوشت خود و امور سیاسی را ضروری شمرد.

دکتر شریعتی یکی از نویسندگان و متفکران پرشور و پرجاذبه انقلاب محسوب می‌شود که در میان دانشگاهیان و اقشار تحصیل کرده از جایگاه بالایی برخوردار است. وی با پیشینه تحصیلات دانشگاهی خود، اسلام و مذهب تشیع را با نگاهی جامعه‌شناسانه و مدرن تحلیل می‌کرد. یکی از اندیشه‌های محوری شریعتی تلاش در جهت ارائه چهره‌ای اجتماعی، سیاسی و انقلابی از اسلام بود وی میان اسلام به عنوان یک فرهنگ و اسلام به عنوان یک ایدئولوژی تفاوت بسیار قائل بود. در نظر وی اسلام به مثابه فرهنگ، فاقد ارزش‌های اجتماعی، تعهد، اخلاق، و ظرفیت انقلابی است. اما اسلام به عنوان ایدئولوژی که در نظر وی همان اسلام واقعی است که سازش‌کاری را مردود می‌شمارد و با روح‌ایثار و جهاد و شهادت در آمیخته است (الگار، ۱۳۷۷: ۳۱۳).

تلاش شریعتی برای تبدیل اسلام از قالب فرهنگ عمومی به یک ایدئولوژی تمام‌عیار که هدایت انسان در تمام ابعاد مادی و معنوی را بر عهده بگیرد، کاملاً جدی، آگاهانه و در برانگیختن و به جنبش در آوردن جوانان بسیار اثرگذار بود. از نظر وی رسالت علمای اسلام و روشنفکران مذهبی تبدیل اسلام از یک فرهنگ و سنت به یک دعوت و بعثت ایدئولوژیکی بود (قنوات، ۱۳۷۹: ۶۷).

بزرگترین ابتکار شریعتی در ایدئولوژیک کردن دین این بود که وی دین را به بطن جامعه و مردم آورده و آن را عمومی و ملی کرد و اسلام ستم‌دیدگان، مظلومان، محرومان و پابرنهنگان را جایگزین اسلام طبقات حاکم، سلاطین، خلفای اموی و عباسی و جانبداران سرمایه‌داری و استکبار نمود. شریعتی رهایی جوامع اسلامی از تباہی، رخوت و نفوذ فرهنگی غرب را فقط در بازیابی هویت اسلامی می‌داند. اسلام همه شرایط نظری را که برای یک مکتب پیشرو لازم است همه را دارد و در عین حال احساسی از رستگاری معنوی ایجاد می‌کند که در ایدئولوژی‌های مادی‌گرا وجود ندارد. به نظر وی اسلام هم از لحاظ نظری و طریق نهادهای گوناگونش به عنوان ایدئولوژی سیاسی، عملی و همچنین به عنوان فلسفه جهان‌شمول زندگی عمل می‌کند (قیصری، ۱۳۸۳: ۱۶۷).

تفسیری که شریعتی از اسلام به مثابه برنامه و مجموعه سرمایه‌های معنوی و مادی ارائه می‌کند و رمز رهایی جوامع اسلامی را به بازیافت ماهوی آن می‌داند بر ایندی است که گفتمان غالب اندیشمندان دهه ۴۰ و ۵۰ در ایران است (دهقانی، ۱۳۸۶: ۱۸۹). در حقیقت دکتر شریعتی نماینده پر شور و روشنفکری مذهبی بود. جریان روشنفکری عمدتاً از سال‌های دهه ۱۳۲۰ در ایران شکل گرفت. در این سال‌ها برخی از روشنفکران ایرانی با نگاه نقادانه به غرب و ایدئولوژی‌های غربی از بازگشت به سنت‌های ایرانی و ارزش‌های مذهبی سخن می‌گفتند. در سال‌های دهه ۱۳۴۰ این گرایش رشد چشمگیری داشت و در واقع انتشار کتاب غرب‌زدگی جلال‌آل احمد و استقبال وسیعی که از آن به عمل آمد خبر از ظهور نسل جدیدی از روشنفکران می‌داد که بازگشت به فرهنگ بومی را خواستار بودند. اما دکتر شریعتی پر نفوذترین روشنفکری بود که در سال‌های دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ بازگشت به اسلام را فریاد می‌زد. دکتر شریعتی اسلام را به عنوان یک ایدئولوژی کامل و جامع در نظر می‌گرفت که تعیین‌کننده نظام سیاسی و اجتماعی و شیوه زیستن، ارزش‌ها و نوع روابط اجتماعی است. شریعتی تفسیری ظلم‌ستیز، انقلابی و عدالت‌خواهانه از تشیع را ارائه می‌کرد که بسیاری از جوانان را مجذوب می‌ساخت. محور گفتمان شریعتی بازگشت به خویشستن و تشیع انقلابی بود. در زمانی که بسیاری از مخالفان رژیم پهلوی برای مبارزه دست به دامان ایدئولوژی‌های مارکسیستی شده بودند شریعتی تشیع را به عنوان مکتب مبارزه و ایدئولوژی انقلابی مطرح کرد. او به جای مفاهیم و الگوهای مارکسیستی مفاهیم سنتی و بعضاً فراموش شده شیعه را احیا کرد. و به آن‌ها روحی تازه دمید. روحی که سرشار از ستیزه‌جویی، ایثار و مبارزه طلبی بود. شریعتی با احیای مفاهیمی چون شهید، شهادت، جهاد، انتظار، مکتب، رسالت، امت، امامت، عدالت و برابری از آن‌ها مقولاتی انقلابی ساخت. و بر خلاف مارکسیست‌ها که الگوهای انقلابی آنان مارکس، لنین و غیره بود به سراغ الگوهایی چون حضرت علی(ع)، امام حسین(ع)، ابوذر، عمار، یاسر، میثم، حضرت فاطمه(ع) و حضرت زینب(ع) رفت؛ یعنی همان خویشتانی که او آن را در تشیع علوی و صدر اسلام می‌دید. از آن‌جا که این نمادهای جاودان فرهنگ مذهبی ایران بودند و در دل و جان مردم جای داشتند گفته‌های شریعتی نیز تأثیر شگرف بر جای می‌گذاشت و از سوی دیگر اندیشه‌های شریعتی چندان پیچیده نبود و برای بیشتر جوانان اندیشه‌های قابل فهم بود که با بیانی شیوا و منحصر به فرد ارائه می‌شد (ملکوتیان و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

در حقیقت شریعتی روح عصیان گر نسلی بود که به دنبال اسلامی نو می گشت تا هم پاسخی به ندای درونش باشد و هم به نیاز برونش (حسینیان، ۱۳۹۰: ۹).

نتیجه گیری

پیروزی انقلاب اسلامی ایران را می توان گوشه ای از قدرت اسلام دانست. در حقیقت ایدئولوژی اسلام و مفاهیم و آموزه های انقلابی آن افزون بر اینکه رقیب جدی برای لیبرالیسم مطرح شد به عنوان عاملی ژئوپلیتیک نظر بسیاری از صاحب نظران غربی را بع خود جلب نمود. در این تحقیق روشن گردید که دکتر شریعتی با تکیه بر محور اسلام انقلابی به باسازی و مفصل بندی جدیدی از مفاهیم اسلامی می پردازد و از حکومتی دفاع می کند که بتواند اهداف اسلام انقلابی را جامه عمل بپوشاند. وی تلاش کرد تفسیری انقلابی و ظلم ستیز از تشیع را ارائه دهد و محور گفتمان وی بازگشت به خویشتن یا اسلام انقلابی بود. در آن زمان که ظلم پهلوی بیداد می کرد. دکتر شریعتی اسلام را به عنوان یک ایدئولوژی کامل و جامع در نظر می گرفت که در بردارنده تمام جوانب بشری و ارائه دهنده راه حل ها و سرمشق زندگی است. وی با تفسیر دین اسلام و معرفی شخصیت های الهی به عنوان اسوه و الگو سعی در هدایت مردم به فرهنگ دینی و اسلامی داشت. وی همواره ندای بازگشت به خویشتن را فریاد می زد و تمام تلاش خود را برای بیداری مردم در دوره ای که غرب زدگی در ایران بیداد می کرد و ایدئولوژی ها و مکاتب غربی باعث سردر گمی مردم شده بودند انجام داد. وی تمام تلاش خود را نمود تا مفاهیم فرهنگ دینی و عمومی را به ایدئولوژی انقلابی تبدیل کند و از دل فرهنگ شیعه ایدئولوژی انقلابی را بیرون کشید و آن را تفسیر نمود.

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۳). راهکارهایی برای اسلامی شدن دانشگاه ها «با تأکید بر تقویت علوم انسانی و جنبش تولید علم» مجله دانشگاه اسلامی، شماره ۱۸ و ۱۹.
- آندرو، وینست، (۱۳۹۲) ایدئولوژی های مدرن سیاسی، ترجمه مرتضی نایب فر، انتشارات شمشاد، چاپ سوم.
- الگار، حامد. (۱۳۷۷). نیروهای مذهبی در ایران قرن بیستم، در سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات طرح نو چاپ سوم
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۷). انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۴). جامعه شناسی سیاسی، تهران: انتشارات نی.
- بریجانیان، ماری (۱۳۷۱). فرهنگ اصلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، ویراسته بهاءالدین خرمشاهی، جلد یک، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بریتون، کرین، (۱۳۷۶). کالبد شکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات سیمرخ، چاپ ششم.
- بشلر، ژان (۱۳۷۰). ایدئولوژی چیست؟ نقدی بر ایدئولوژی های غربی، ترجمه علی اسدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پناهی، محمد حسین، (۱۳۹۱). نظریه های انقلاب، وقوع، فرایند و پیامدها، تهران: انتشارات سمت، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- حسینیان، روح الله، (۱۳۹۰). دکتر علی شریعتی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ سوم.
- شریعتی، علی. (۱۳۷۵). مجموعه آثار، اسلام شناسی ۱، دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار دکتر علی شریعتی، تهران: انتشارات قلم.
- شریعتی، علی. (۱۳۷۹). مجموعه آثار، با مخاطب های آشنا، جلد یک، تهران: انتشارات چاپخش.
- شهید مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). انسان و ایمان، تهران: انتشارات صدرا.
- رمضان نرگسی، رضا. (۱۳۹۳). تبیین جامعه شناختی انقلاب مشروطه، قم: نشر، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- دهقانی، رضا، (۱۳۸۶). روشنفکران دینی و دینداران روشنفکر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- فوران، جان، (۱۳۹۲). گفتمان ها و نیروهای اجتماعی، نقش فرهنگ و مطالعات فرهنگی در باز شناسی.
- قنوات، عبدالرحیم. (۱۳۷۹). فهرست توفیقی آثار دکتر شریعتی، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- قیصری، علی، (۱۳۸۳). روشنفکران ایران در قرن بیستم، ترجمه محمد دهقانی، تهران: انتشارات هرمس، با همکاری مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها، چاپ اول،
- علی بابائی، غلامرضا، (۱۳۶۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: انتشارات ویس، چاپ دوم.
- عیوضی، محمد رحیم، هراتی، محمد جواد. (۱۳۸۹). درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، تدوین: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، تهران: نشر معارف.
- انقلاب ها، در نظریه پردازی انقلاب ها، ترجمه فرهنگ و ارشاد، تهران: انتشارات نی، چاپ ششم.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱). درآمدی نظری بر جنبش های اجتماعی، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی

- موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۷۰). صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ دوم، جلد اول.
- ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۸۹). ایدئولوژی و رهبری و تأثیر آن بر پیروزی سریع، ثبات پایدار و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۲.
- ملکوتیان، مصطفی و دیگران. (۱۳۸۴). انقلاب اسلامی ایران، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، تهران: انتشارات، دفتر نشر معارف
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۵). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر نی، چاپ دوم.
- هافر، اریک (۱۳۷۲). پیرو راستین، ترجمه فیروزه خلعت بری، تهران: انتشارات شباویز.

